ضمیمه روزنامه خراسان
•سه‌شنبه•۱۹تیر۱۳۹۷•شماره۱۰۸۴

حدیث روز

امام حسین(ع): از نشانه های نادانی، جدل با بی فکران است.
تحف‌العقول

ذکر روز سه شنبه
صد مرتبه «یا ارحم الراحمین»

در محضر بزرگان

از امکانات خود استفاده کنیم

مرحوم استاد صفایی حائری فرموده‌اند: «من که احساس می کنم باید به خانه بیایم و کلید هم دارم، پشت در نمی نشینم که دعا کنم. باید از تمام امکانات خودم استفاده کنم و آن دم که کلید شکست و هیچ راهی برایم نبود یا زمان و فرصتی نداشتم، در این هنگام عجز، به دعا رو بیاورم و حتی در عجزم و در یأسم ناامید نشوم. آن‌ها که از امکانات خود بهره نمی گیرند و با دست و پای خود راه نمی روند، هنوز نیاز خود را باور نکرده‌اند و احساسی ندارند.»
برگرفته از «بشنو از نی»

فارسی بنویسیم

آپ تودیت، روزآمد، به‌روز

اسماعیل فریدونی

اگر شخصی قصد ورود به خاک کشوری غیر از مملکت خودش را داشته باشد، بدون تردید با قوانین و شرایط تازه‌ای رو به رو خواهد شد و ملزم به پذیرش آن شرایط خواهد بود. پس چرا یک واژه خارجی گاهی می تواند بدون عبور از صافی های مربوط وارد زبان ما شده و جا خوش کند؟ به نظر می رسد متولیان زبان و فرهنگ نتوانسته اند صافی های لازم را سر راه کلمات خارجی قرار داده و کاربران این زبان شیرین و عرفانی را متوجه خطر ورود کلمات بیگانه سازند.
وقتی واژه زیبای «روزآمد» کنار رفته و جای خود را به بیگانه‌ای مانند «آپ تودیت» می دهد و هنگامی که تعداد این کلمه‌های وارد شده زیاد و زیادتر می شود، ناکارآمدی صافی های فرهنگی عیان می شود. به واقع باید فکری اساسی کرد و گرنه به زودی است که از ما اثری باقی نیست.

کاریکلماتور

*خط قرمز، مترسک خطوط شده است!
*دشمن سر «سخت» ماهی قلاب است.
*بعضی ها از تب فوتبال «داغ» دار هستند.
*گاهی انسان ها از حیوانات «پیشی» می گیرند!
*از سدهای «خاکی» چشمم آب نمی خورد.
*بعضی ها با شیر به دنبال شکار پول می روند!
*بی «آبی» به خط «قرمز» رسید.
*نرخ بیکاری هم با دلار بالا رفت.
رضا وارسته

اندکی صبر

تکرار

زهرا پویامنش

در تمام نبودن های تو
نفس به نفس
بودن را
تکرار کردم

دنیا به روایت تصویر

پی‌ای| ماهی گیری در یک ظهر تابستانی

گاردین| نمایشگاه آشتی کودکان با طبیعت، انگلستان

گتی ایمیج| برگزاری جشن برنج در شالیزارها، نپال

فتوترانه

دیزالو

به خاطر یک مشت دلار

محمدعلی محمدپور |طنز پرداز

در هفته گذشته، سایت تابناک مدعی شد عده‌ای از فیلم سازان که بودجه دولتی گرفته بودند به نام پیش تولید با عقب انداختن ساخت فیلم اقدام به ورود به بازار ارز کرده‌اند. به هر حال از آن جایی که حباب دلار همین جوری دارد باد می‌شود و همه مطمئن هستند حالا حالاها نخواهد ترکید، در خرید ارز دست زیاد شده و این روزها هر کس یک پولی دارد می‌زند به زخم بازار ارز. قطعا با این شرایط بازار ارز و سود خوبی که از آن می‌توان به دست آورد الان فیلمی که قرار بوده با محمود بصیری به عنوان نقش اول قرارداد ببندد، پس از چند معامله شیرین، راحت می‌تواند با سودش محمدرضا گلزار، نوید محمدزاده، شهاب حسینی و ترانه علیدوستی را یک جا بیاورد و با بقیه پولش برود دو سه تا فیلم جمع و جور دیگر هم بسازد. یعنی لوکیشن اصلی فیلم اگر آپارتمانی پنجاه متری در حاشیه شهر بوده، می‌تواند به راحتی آن را به سواحل قبرس و کوه‌های آلپ ارتقا بدهد. البته این جوری موضوع فیلم هم عوض می‌شود و بهتر است سناریوی خودشان را از اول بنویسند. نام فیلم را هم مناسب خواهد بود تغییر دهند به: «به خاطر یک مشت دلار».
اما خبر دیگر این که یکی از نمایندگان مجلس اظهار کرد: «ای کاش رئیس صدا و سیما را هم می‌شد استیضاح کرد. استیضاح او الان از هر وزیری واجب‌تر است». واقعا ما نمی‌دانیم رسانه ملی دارد به کجا می‌رود، اما بعید نیست به زودی شاهد گذاشتن دیالوگ معروف نقی معمولی روی تصویر برخی مدیران رسانه ملی باشیم که: «من دارم به قهقرا میرم، فقط بذارید من برم». الان حالتی است که گویا سیاست رسانه ملی بر دفع هر گونه مخاطب احتمالی که ممکن است اتفاقی از جلوی تلویزیون رد بشود است و به نظر می‌رسد شعاری که این عزیزان سر لوحه کارشان قرار داده‌اند «همه شبکه‌ها از نظر مخاطب باید از شبکه چهار یاد بگیرند» باشد. حالا کار نداریم همان شبکه چهار برنامه‌هایش از بقیه مفیدتر است.
درباره همکاری هنرمندان با رسانه ملی هم حتی هنرمندانی که خودشان از صدا و سیما شروع کرده بودند هم نیمی ممنوع‌التصویر، نیمی ممنوع‌الصدا و نیمی هم اساسا ممنوع‌العبور از شعاع چند کیلومتری صدا و سیما هستند. (قاعدتا نباید سه نیم می‌شدند، ولی ببینید چه کار کردند که این‌ها سه نیم شده‌اند) کارشناسان برنامه‌های تلویزیون هم معمولا لازم نیست تخصص خاصی داشته باشند، بلکه همین قدر که امکان تکلم داشته باشند می‌توانند در برنامه‌ها حضور یابند و نظریات‌شان را که در بعضی موارد نظریات شوهرعمه من و راننده تاکسی‌های ۲۰ سال سابقه را هم پشت سر می گذارد، ارائه دهند.

تاپخند

- هر جوری فکر می کنم من اگه جیرجیرک بودم، شب‌ها می خوابیدم، به جای این که این همه صدای نکره از خودم دربیارم!
- جوری بسته‌های اینترنت گرون شده که اگه یک سفر بری اون ور دنیا، فیلم رو اون جا ببینی و برگردی، خرجت کمتر میشه تا این که دانلود کنی!
- هوا این جوریه که شما جامد سرد میری بیرون، گاز مترا کم شده داغ برمی گردی... یعنی یک جرقه بزن منفجر میشی و ابَرنواختر تشکیل میدی!
- وقتی فیلم نگاه می کنید یک کم هم به خود فیلم توجه کنید، دیالوگ‌هاش رو بعدها می تونین سرچ کنین و بذارین استوری اینستا!
- پسر، دو سال پیش بود که تو خیابون هامون پر از «کویین» بود. ببین شرایط اقتصادی تو این چند وقت با مردم چه کرد!
- مجردی که زندگی کنی می فهمی بعضی وقت‌ها حالا یه تیکه از نون هم کپک زده باشه اشکالی نداره، اصلا واسه بدن لازمه!
- صبح یک تیکه کیک تو یک کافه خوردم. از اون موقع تا الان نه تونستم هزینه‌اش رو جبران کنم، نه کالریش رو!
- خدا رو شکر اصغر فرهادی اومد پایان بازرویا ملت داد و گرنه قبلا آخر فیلم‌های ایرانی یا باید قاچاقچی‌ها کشته می شدن، یا دو نفر عروسی می کردن!

دور دنیا

مسابقه بیرحمانه مرغان دریایی

آدیتی سنترال- هر ساله در تایوان مسابقه ای مرگبار برای مرغان دریایی برگزار می شود. جزیره کوچکی در تایوان هر ساله میزبان بیشترین تعداد از مرغان دریایی مهاجر در سراسر دنیاست و تایوانی‌ها بزرگ‌ترین جنایت را در حق این پرندگان مرتکب می شوند. حدود ۵۰۰ هزار تا از این پرندگان مهاجر توسط کشتی‌های بزرگ هزاران کیلومتر را طی می کنند تا به وسط دریا برسند، یعنی جایی که تا خشکی ساعت‌ها فاصله است و سپس همه مرغان دریایی رها می شوند تا مسابقه بیرحمانه رسیدن به خشکی آغاز شود. طبق آمار هاتنها ۱ درصد این پرندگان زنده به خشکی می رسند و بقیه در طول مسیر تلف می شوند. سازمان‌های دفاع از حقوق حیوانات دست به کار شده‌اند تا جلوی این جنایت بزرگ علیه محیط‌زیست و حیوانات گرفته شود اما گویا تایوانی‌ها از انجام این مسابقه سود بسیار خوبی به جیب می‌زنند و به این راحتی حاضر به ترک آن نیستند!

انتقام به شیوه مردم رومانی

بورد پاندا- مردم رومانی سال پیش متوجه شدند که برند معروف و گران قیمت «دیور»، در سری جدید کارهایش از لباس های سنتی مردم این کشور ایده گرفته است و همان کت‌های گلدوزی شده و لباس‌های گلدار سنتی آن‌ها را به قیمت بسیار بالا به فروش گذاشته است و استقبال مردم هم از این لباس‌ها بسیار بالاست. هر کت با طرح گلدوزی محلی رومانی، ۳۰ هزار دلار در این سایت به فروش می‌رسید. رومانیایی‌ها هم دست به کار شدند و از مردم محلی که با کیفیت بسیار بالا این کت‌ها و لباس‌ها را می دوختند خواستند تا تعداد زیادی لباس تهیه کنند. آن‌ها با راه اندازی یک سایت، از مردم خواستند که به جای خرید از برند گران قیمت دیور، همان لباس‌ها را با کیفیت بسیار بالاتر و قیمت بسیار پایین‌تر از مردم محلی این کشور بخرند. سفارش‌های اینترنتی به قدری زیاد است که زنان و مردان محلی همگی در حال دوختن و ارسال لباس‌های محلی‌شان هستند!

دیدنی‌های جهان

مدل موی فوتبالیست‌ها در گذر زمان

در هر دوره از مسابقات بین‌المللی فوتبال، همان طور که مدیران ورزشی کشورها برای تدارکات حرفه‌ای و تهیه لباس و کفش ورزشی تیم‌شان در بهترین حالتش تلاش می کنند، فوتبالیست‌ها هم علاوه بر این که سعی می کنند بازی خوبی از خودنشان دهند، روی تیپ و مدل موی خودهم کار می کنند تا بیشتر جلب توجه کنند. مثلا در زمان‌های قدیم به روش سنتی موها را از یک طرف سر به آن طرف سیم کشی می کردند! کمی بعد سیم‌ها ضخیم‌تر شد و گذاشتند همان جا سر جایش بماند! بعد سیم‌ها را فرزدند، سپس از همان فرزده‌ها فقط پشتش را نگه داشتند و جلویش را کوتاه کردند، بعد فرها را صاف کردند، پس از آن یهو همه را از ته زدند و خلاص! هنوز هم در همین جام جهانی مدل هایی دیدیم که برایمان تازگی داشت. سیم تلفنی، پشت بلند، فردرشت، از ته، دورسفید، سیخ سیخی، بغل خط دار، رشته‌ای، خط خطی، بچه مثبتی، تاج خروسی، گوجه‌ای، قارچی، چتری، فوکولی دم اسبی و موشی و کفتری و... اصلا چرا توضیح بدهیم؟ خودتان بخشی از روند پیشرفت مدل موهای فوتبالیست‌ها را ببینید!

تفأل

بر سینه ریش دردمندان
لعلت نمکی تمام دارد
در چاه ذقن چو حافظ ای جان
حسن تو دو صد غلام دارد

رادیوالان

حشره کُشی نیمارو دوستان

سید مصطفی صابری |طنز پرداز

سلام و خداقوت، الان اوضاع و احوال یه جوری شده که هر کسی در هر کسب و کاری، حتماً کارش رو یه جوری ربط میده به جام جهانی و فوتبال. دوست عزیز و زحمتکش مون کنار جاده شیر بلال می فروشه، روی کارتن باز غال گنده نوشته: «به شیر بلالی ورلد کاپ خوش اومدین، کارت خوان موجود است». تبلیغات کارخونه‌ها رو که نگو. تبلیغ پنیر رو یه جور عجیبی با جام جهانی پیوند می‌زنن که بهترین جراحان پیوند و زیبایی نمی تونن چنین پیوندی رو بزنن. آخه کشک رو چه به جام جهانی؟ من حتی رابطه کشک با جام جهانی رو هم درک می کنم اما دیگه اسپری منهدم کردن حشرات رو کجای دلم بذارم؟ تعداد این تبلیغات لوس و بی ربط که از موجودی حساب آقازاده‌ها بیشتر شده، ایده‌هاشونم که از سن جناب بوفون بیشتر و قدیمی‌تر!
خانمه نشسته داره فوتبال نگاه می کنه و صدای گزارشگر محترم در حال پخش که حریف رو می گیره و از این حرف‌ها! در همون لحظه یک پشه قزمیت میره سمت خانمه و ما می فهمیم گزارشگر محترم در حال گزارش فوتبال نبوده بلکه داشته لحظه فوق العاده حساس شکار پشه با حشره کُش توسط یک بانوی آریایی رو روایت می کرده! خانمه هم در حال پشه کشتن چنان طمانینه و رضایتی داره که انگار با وزیر امور خارجه رفته مذاکره با تیم اروپایی یا نشسته پای سخنرانی استاد الهی قمشه‌ای. خواهر من، در نهایت یک پشه رو کُشتی دیگه؛ این همه ژست گرفتن نداره.
قدیما این اداها و اصول‌ها در کار نبود. یه دمپایی رو بعد از این که از چند جهت جروا جر می شد وارد چرخه سوسک و پشه کُشی می کردیم و تا جایی که می شد با هاش حشرات موذی رو تبدیل به چیزی شبیه چیپس می کردیم. در مرحله بعد هم همون دمپایی رو می دادیم نمکی با هاش جوجه رنگی می گرفتیم. اما چه بادمپایی، چه با حشره کُش، شکار حشرات و پشرات توام با لبخند ژوکوند نیست آخه! آگهی‌ها این جوریاست که طرف تو خونه دو هزار متری که هزار متر ش آشپزخونه است نشسته و ۱۰ نفری یه تُن ماهی ۵ هزار تومنی رو با لبخند می خورن. در حالی که همین ماجرا توفک و فامیل ما باعث جدایی نادر از سیمین شده! آخه تُن ماهی خالی خوردن هم لبخند نداره؛ ولی ممنونم از کارخونه مدنظر که تُن ماهی شون رو به جام جهانی ربط نداد. راضی ام ازتون. یکی می خرم با سه تا تخم مرغ و یک پیمانه برنج کته می خورم.

پاسخ مسابقه این کیه

برنده‌ای که در دسترس نیست!

سلام. این هم کاریکاتور کامل شخصیت مسابقه شماره ۸۶، آقای «همایون شجریان» خواننده خوب و خوش صدا و خوش اخلاق کشورمون. کمتر کسی بین شماست که صدای ایشون رو تا حالا نشنیده باشه و با یکی از آهنگ های ایشون خاطره نداشته باشه. آهنگ هایی مثل «چرا رفتی»، «آرایش غلیظ»، «هوای گریه»، «بی من مرو» و...
برنده این مسابقه هنوز به تلفن شون جواب ندادن و سعی می کنیم تا فردا پیداشون کنیم و گرنه نفر بعدی رو فردا برنده اعلام می کنیم. پیشاپیش بهشون تبریک می گیم و به امید خدا با مسابقه بعدی، عکس و کاریکاتور شون رو می تونید همین جا ببینید. خوش باشید.

ما و شما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، عکس و هر ایده بامزه و جالب خود را به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ یا شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام بفرستید.

*می خوام صمیمانه و عمیقا از همسرم عذرخواهی کنم و ازش بخوام که حلالم کنه. **نفیسه اس**
*موضوع سهم ما از صرفه جویی آب، بسیار مؤثر و آموزنده است. لطفا به صداوسیما هم انتقال بدید.
*آق کمال، برار، ای لَهجَت با لهجه ما پایین شهریا فرق مُکُنه، به ما نمچسبه، مشکل از شمایه یا از چسب ما؟
آق کمال: هیچ کدوم برار، قرار باشه اوجوری حرف بزنم ممکنه نصف خواننده‌های روزنامه ملطفت نشن!
*پسر عزیزم محمدرضا جان، کسب معدل ۲۰ در پایه هفتم را به تو تبریک می گوییم. ان شاءا... در تمام مراحل زندگی موفق و سربلند باشی. **پدر، مادر و خواهرت**
*درباره پرونده صرفه جویی آب، قسمت آب جوش، تا اون جایی که خاطرم هست چند وقت پیش گفته بودید از آب جوش شب قبل مونده استفاده نکنید و دور بریزید؟
*مطلب نجات قطره‌ها بسیار جالب بود، لطفا مطلبی هم درباره نجات بشکه‌ها تهیه فرمایید! کاشت هر هندوانه و برداشتن یک لیوان آب از آب تصفیه کن‌های در مدار خانگی یا آبیاری هر متر مربع چمن، هر کدام یک بشکه آب هدر می دهد. به خصوص آب تصفیه کن که یک بشکه آب را برای تصفیه هر لیوان آب به فاضلاب سرازیر می کند.
*آق کمال؛ شادی پس از گلتان چگونه است؟!
آق کمال: مخلوطی از شادی علی دایی با ادای رونالدو، یک کم هم اخم مسی ره قاطیش بکنن!
*عاجزانه از همسرم می خوام که منو دوست داشته باشه و از نگاه‌ها و زخم زبان‌های همیشگی‌اش دست بکشه. قول می دم تا آخر عمر نوکری‌اش رو بکنم، ولی در کنار دوست داشتن او!